

مجله مطالعات ایرانی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

نگاهی به سیر تاریخی و موضوعی مقالات حافظ پژوهی از آغاز تا سال ۱۳۹۰*

دکتر خدیجه حاجیان (نویسنده مسئول)^۱

لیلا احمدی^۲

چکیده

درباره حافظ، اندیشه، مقام و هنر او در ادب فارسی در قالب کتاب و مقاله، بررسی‌ها و تحقیقاتی فراوان انجام شده است. با توجه به حجم آثار و تداوم سیر این گونه تحقیقات به ویژه در امر نگارش مقالات لازم است آثار منتشر شده بررسی شوند تا با آشنایی به نقاط قوت و ضعف این دسته از پژوهش‌ها بتوان از نتایج آن در پر کردن خلأهای موجود در این بخش بهره برد. در این تحقیق به بررسی سیر تاریخی، هم‌چنین سیر موضوعی مقالات حافظ‌پژوهی پرداخته شده است. از آغاز سیر حافظ‌پژوهی ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۹۰، حدود ۲۰۸۲ مقاله تألیف شده است. در این پژوهش ضمن بررسی سیر تاریخی حافظ‌پژوهی در قالب مقالات فارسی و تحقیق در علل و زمینه‌های اوج و فرود تعداد (کمیت) آنها، مقالات در پنج دوره تاریخی و در هشت موضوع شرح ابیات، نقد کتاب و مقالات حافظ‌پژوهی، معرفی انواع تصحیحات دیوان، نسخه‌شناسی و معرفی نسخه‌های جدید، تحلیل شخصیت، زندگی و اندیشه حافظ، حافظ و دیگران، زیبایی‌شناسی (جمال‌شناسی شعر حافظ) و مقالات متفرقه بررسی شده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد سیر مقالات تا دوره سوم به دلیل برگزاری دو کنگره بزرگداشت حافظ سیر صعودی داشته و در دوره چهارم از کمیت آن کاسته شده، اما بر محتوا و کیفیت آن افزوده شده است تا اینکه در دوره پنجم به دلیل ورود مباحث جدید ادبی و گسترش حوزه نقد، مقالات هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت تحول یافته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مقالات حافظ‌پژوهی، سیر تاریخی، سیر موضوعی، محتوا، دوره‌های زمانی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله ۱۳۹۵/۸/۱۵

hajiyan@modares.ac.ir

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده: ..ول:

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

۱. مقدمه

این شرح بی‌نهایت کنز لطف یار گفتند حرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد درباره حافظ مشهورترین غزل‌سرای فارسی، سخن فراوان گفته و نوشته شده است، اما به نظر می‌رسد این گفته‌ها و نوشته‌ها هیچ‌گاه به انتها نرسد؛ زیرا زندگی، اندیشه و جهان‌بینی حافظ از یکسو و ابیات و غزل‌های دیوانش از سوی دیگر چنان با ابهام^۱ و ابهام^۲ درآمیخته که کشیدن پرده از جمال حقیقت او را ناممکن ساخته است. محققان و حافظ‌پژوهان بسیاری (حتی از زمان حیات خود شاعر)^۳ درباره او همچنین تأویل و تفسیر شعرش رساله یا مقاله‌هایی نوشته‌اند و این سیر تحقیقات تا امروز که بیش از ششصد سال از وفات حافظ می‌گذرد، همچنان ادامه دارد. برخی معتقدند برای شناخت حافظ ناگزیر از آشنایی با عواملی چون زمان و مکان، اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دین و مذهب و فلسفه و عرفان عصر او هستیم و گرنه شناخت حافظ و افکار او به خوبی میسر نمی‌شود (غنی/۱، ۱۳۶۶: ۲۲).

از این رو به صراحت می‌توان گفت تحلیل شخصیت و جهان‌بینی یا ترسیم چهره‌ی واقعی حافظ، تنها با مراجعه به یک مأخذ قابل اعتماد که از وی باقی مانده است، دیوان شعر او، کاری دشوار و شاید هم ناممکن باشد و مهم‌ترین دلیل آن همان‌گونه که اشاره شد آمیختگی زبان و شعر حافظ به ابهام و ابهامی است که سایه بر شعر و زندگی وی انداخته و از دیر باز موجب شده است تا درباره او و تفسیر شعرش نویسندگان و محققان به فرضیه و حدس و گمان‌های فراوانی متوسل شوند و همین حدس و گمان‌ها، که در قالب نوشته ارائه شده است، نیز در بوته نقد و انتقاد قرار گرفته، تأیید یا رد شوند و باز این قبول و عدم قبول فرضیه‌ها، خود منشأ شکل‌گیری بسیاری از نوشته‌ها درباره این شخصیت بزرگ ادبیات فارسی شده، به گونه‌ای که سال‌ها پیش برخی را به نجوای «حافظ بس» واداشته است (امیری فیروزکوهی، ۱۳۵۲: ۵۳۱ تا ۵۳۶)؛ ولی گسترش دامنه‌ی این تحقیقات در سال‌های اخیر مصداق عملی این گفته را نشان داد که «آنچه البته به جایی نرسد فریاد است». به‌هرحال فراوانی و تنوع موضوعی این تحقیقات که ما برای سهولت آنها را تحقیقات «حافظ‌پژوهی» نامگذاری کرده‌ایم، سبب شد تا نگاهی فشرده و گذرا به سیر تاریخی و موضوعی آنها از آغاز یعنی سال ۱۲۹۸ ه.ش تا سال ۱۳۹۰ بیندازیم.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

در این پژوهش برآنیم معلوم کنیم تحقیقات حافظ‌پژوهی چه سیری را طی کرده است؛ دلایل فراز یا فرود این‌گونه تحقیقات در سال‌های متمادی چیست و این تحقیقات بیشتر ذیل چه موضوعاتی بوده است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

معرفی تحقیقاتی که درباره حافظ انجام یافته تا کنون تنها به شکل "فهرست" یا کتابشناسی چاپ و منتشر شده است. در این کتابشناسی‌ها تنها مشخصات کتابشناختی تحقیقات حافظ پژوهی، به ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، درج شده است؛ اما تحقیق حاضر نوعی کتابشناسی توصیفی و تحلیلی است و هدف در آن نشان دادن سیر تحقیقات حافظ پژوهی و دلایل فراز یا فرود این گونه تحقیقات در سال‌های متمادی، همچنین بررسی موضوعی آنان است که بدین شیوه پیش از این کاری انجام نشده است.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجا که عنوان «حافظ پژوهی» برای بسیاری از محققان پر جاذبه است و به گواهی همین مقاله تا کنون ذیل این عنوان مقالات بسیاری نوشته شده است و نظر به اینکه موضوع بسیاری از این مقالات تکراری است؛ بنابراین به نظر می‌رسد آگاهی از تنوع و عناوین این حوزه از پژوهش زبان و ادبیات فارسی، محققان را از پرداختن به موضوعات تکراری بازداشته، آنها را در نوشتن مقالات با موضوعات جدید یاری کند. ضمن اینکه خود نفس آگاهی از سیر و موضوعات حافظ پژوهی برای محققان مفید خواهد بود.

۴-۱. روش پژوهش

از آنجا که روش تحقیق و پژوهش در تحقیقاتی این چنین بسیار اهمیت دارد، پیش از ورود به مبحث اصلی تذکر چند نکته خالی از فایده نیست:

الف. این تحقیق تنها روی مقالات حافظ پژوهی انجام شده است.

ب. شمارش تعداد مقالات با استفاده از شش منبع زیر بوده است:

۱. فهرست مقالات فارسی از ایرج افشار؛

۲. کتابشناسی حافظ (چاپ مرکز حافظ‌شناسی شیراز، ۱۳۸۱) از مهرداد نیک‌نام؛

۳. برخی مقاله‌های کتاب‌شناسی حافظ که در مجموعه‌ها یا مجلات به شکل پراکنده منتشر شده است؛

۴. برخی مقالات که موضوعشان معرفی مقطعی مقالات حافظ پژوهی بوده است؛

۵. ایات بحث‌انگیز از ابراهیم قیصری؛

۶. سامانه مقالات تخصصی نور؛

ج. مقالات مقطع زمانی آغاز سال ۱۲۹۸ تا پایان سال ۱۳۹۰ (یک قرن) بطور تک تک بازبینی شده و ذیل هشت موضوع دسته‌بندی شده‌اند. البته ممکن است برخی از مقالات از

قلم افتاده باشند، زیرا این امر طبیعی چنین پژوهش‌هایی است.

د. در این تحقیق مقالات حافظ‌پژوهی، ذیل هشت طبقه زیر دسته‌بندی شده‌اند: ۱. شرح ابیات (مقاله‌هایی که در شرح یک یا چند بیت و شرح واژه‌های دشوار و هم‌چنین تک‌غزل‌هایی از دیوان حافظ نوشته شده در این دسته گردآوری شده‌اند)؛ ۲. نقد کتاب و مقالات حافظ‌پژوهی؛ ۳. معرفی انواع تصحیحات دیوان؛ ۴. نسخه‌شناسی و معرفی نسخه‌های جدید؛ ۵. تحلیل شخصیت، زندگی و اندیشه حافظ؛ ۶. حافظ و دیگران؛ ۷. زیبایی‌شناسی (جمال‌شناسی شعر حافظ)؛ ۸. مقالات متفرقه.

گفتنی است این دسته‌بندی نسبی است؛ زیرا برخی مقالات گاه قابل گنجاندن ذیل دو یا چند موضوع یاد شده در بالا نیز بودند؛ اما با توجه به مضمون غالب، مقاله ذیل یکی از موضوعات دسته‌بندی شده است.

ه. گاهی تنها در بخشی از مقاله به موضوع حافظ‌پژوهی پرداخته شده است^۴، با این حال این دسته از مقالات نیز در این پژوهش منظور شده‌اند. (البته تعداد این گونه مقالات بسیار اندک است)

و. برخی از مقالات شمارش شده ترجمه‌ای هستند که البته تعداد آنها فراوان نیست؛ اما در این پژوهش آنها را نیز به حساب آورده‌ایم (در کتابشناسی‌های حافظ هم این گونه مقالات ثبت شده‌اند).

ز. از آنجا که مبنای ما برای محاسبه‌ی مقالات، کتابهای فهرست و کتابشناسی‌ها بوده است، ناگزیر هر آنچه را ذیل مقاله ذکر شده، شمارش کرده‌ایم؛ اما در واقع بیشتر آنها در قالب مقاله‌ی علمی - پژوهشی نیستند.

ح. مقاله‌هایی که در روزنامه‌ها به چاپ رسیده‌اند در شمارش و تقسیم‌بندی موضوعی به حساب نیامده‌اند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. سیر موضوعی و تاریخی مقالات حافظ‌پژوهی

۲-۱-۱. دسته‌بندی مقالات از نظر موضوع و محتوا

مقالات حافظ‌پژوهی را می‌توان ذیل موضوعاتی متنوع از جمله موضوعات هشتگانه‌ی زیر طبقه‌بندی کرد:

۲-۱-۱-۱. شرح ابیات دیوان حافظ

به صراحت می‌توان گفت شرح‌نویسی بر برخی ابیات یا غزل‌های حافظ که گاهی "دیرباب" یا مشکل به نظر می‌رسیده، کاری دامنه‌دار و باسابقه است. در آغاز، بیشتر، شرح برخی ابیات و غزلیات مرسوم بوده و سپس شرح بر تمامی غزلیات یا دیوان رایج شده است؛ زیرا هرچند شعر حافظ سرشار از ابهام^۵ و ابهام است اما مردم فارسی‌زبان از زمان‌های

گذشته تا امروز، از عوام و خواص هر کدام متناسب با سطح معرفتی خود شعر او را درک می کرده‌اند و گویا به همین دلیل نیازی به شرح دیوان لسان‌الغیب نمی‌دیده‌اند مگر در مواردی چون تعدد دیدگاه، یا تفاوت روش، یا اختلاف قرائتها؛ همین نکته‌ها باعث شده که اشعار حافظ بارها و بارها با دیدگاه‌های متفاوت تفسیر شوند. برای نمونه در تأویل بیت «پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت» نظریات و تفسیرهای متعدد منتشر شده‌است و همین نکته بر تعداد شروح ابیات حافظ افزوده است.^۷ گاهی بحث بر سر اختلاف ابیات در نسخ متعدد است که سبب شرح متفاوت ابیات و در نتیجه اختلاف شرح‌ها شده‌است.

در باره این شروح به‌طور کلی می‌توان گفت:

الف. در شرح ابیات عمدتاً با چند نوع شرح روبرو هستیم:

۱. برخی از این شروح، تنها با ذکر معادل برای هر واژه و شرح و بسط بیت با توجه به داده‌های واژگانی نوشته شده، در واقع در آنها بیت به نثر ساده برگردانده شده‌است.

۲. در برخی شروح برای تفسیر بیت یا ابیات به رویکردهای عرفانی و فلسفی توجه شده‌است.

۳. تعداد اندکی از شروح، در بیان یک یا چند نکته‌ی دستوری بیت است.

۴. تعدادی از شروح، تفسیر یا تأویل بیت با تکیه بر وقایع تاریخی مستند یا غیر مستندی است که در زمان حافظ اتفاق افتاده‌است.

ب. در شرح تعدادی از ابیات که به «ابیات» دشوار معروف شده‌اند گاهی تا حدود سی مقاله نیز نوشته شده‌است، که اگر تذکرات حواشی دیوانهای متعدد چاپی، یا توضیحات کوتاه دیگر را که در هیئت مقاله نیست به آن‌ها اضافه کنیم، تعداد نوشته‌ها گاه به بالای چهل می‌رسد. برای نمونه در شرح چهار بیت زیر به ترتیب بیشترین مقاله‌ها نوشته شده است.

۱. عبوس زهد به وجه خمار نشیند / مرید خرقه‌ی دردی کشان خوشخویم (۳۷۹/۲)

۲. پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد (۱۰۵/۳)

۳. ماجرا کم کن و باز آ که مرا مردم چشم

خرقه از سر به در آورد و به شکرانه بسوخت (۱۷/۷)

۴. معاشران گره از زلف یار باز کنید / شیخی خوشست بدین قصه‌اش دراز کند (۲۴۴/۱)

به هر حال در بررسی سیر انتشار این دسته از مقالات یا به عبارتی شرح‌ها به این نتیجه می‌رسیم که در سال‌های اخیر شرح‌نویسی فرآیندی رو به رشد داشته است.^۸ هرچند در برخی حوزه‌ها از جمله شرح ابیات از منظر نقد ادبی هنوز کارچندانی نشده‌است و این رویکرد می‌تواند بانی نو و پذیرفتنی را در شرح ابیات باز کند.

۲-۱-۱-۲. معرفی انواع تصحیحات دیوان حافظ

نخستین تصحیح انتقادی دیوان حافظ در ایران، در سال ۱۳۲۰ هـ. ش. به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی چاپ و منتشر شد و پس از آن تصحیح انتقادی و گاه التقاطی این دیوان رواج گرفت. برای نمونه برخی از این تصحیحات عبارت‌اند از: انجوی شیرازی (۱۳۴۵)، جامع نسخ فرزاد (۱۳۴۷)؛ جلالی نائینی (۱۳۵۲)، سلیم نیساری (۱۳۵۳)، حافظ به روایت شاملو (۱۳۵۴)، رشید عیوضی و اکبر بهروز (۱۳۶۵)، پژمان بختیاری (۱۳۵۷)، خانلری (چاپ اول ۱۳۵۹، چاپ دوم ۱۳۶۲)، حافظ به سعی سایه (۱۳۶۷) و... بیشتر این چاپ‌ها در مقالاتی توصیف و یا نقد شده‌اند؛ اما بر چاپ خانلری بیش از دیگر تصحیحات نقد نوشته شده‌است، به گونه‌ای که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۰ تا پایان ۱۳۷۰ حدود ۲۰ مقاله با مضمون نقد این دیوان چاپ شده‌است.^۹

۲-۱-۱-۳. نقد کتاب‌ها و مقالات

عمده‌ترین کتاب‌هایی که در نقد و نقادی آنها مقالات متعددی نوشته شده - به جز تصحیح‌های دیوان حافظ، عبارتند از:

۱. انواع فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها: از جمله فرهنگ *واژه‌نمای حافظ* از مهیندخت صدیقیانی که نخستین بار در سال ۱۳۶۶ چاپ شده است. بر این فرهنگ تا سال ۱۳۷۰ شش نقد نوشته شده است؛

۲. برخی شروح دیوان حافظ: برای نمونه بر کتاب *حافظ‌نامه* از بهاء‌الدین خرمشاهی که در شرح ۲۵۰ غزل دیوان حافظ نوشته شده است، از چاپ نخستین کتاب در سال ۱۳۶۷ تا پایان ۱۳۷۰ حدود ۱۰ مقاله‌ی انتقادی نوشته شده که نویسنده به برخی از آن‌ها در مستدرک حافظ‌نامه پاسخ داده است. همچنین در نقد کتاب *شرح غزل‌های حافظ* از حسینعلی هروی، *آیین‌های جام*، در شرح برخی ابیات دشوار دیوان حافظ، از عباس زریاب خوبی نیز مقالاتی به چاپ رسیده‌است. در دهه نهم (۱۳۸۰-۱۳۹۰) همچنین بیش از سی و اندی کتاب با موضوع حافظ چاپ شده که در مقالاتی به معرفی و نقد آنها پرداخته شده است.

۲-۱-۱-۴. نسخه‌شناسی و معرفی نسخ

در مقوله نسخه‌شناسی یا معرفی برخی نسخ به این موضوعات پرداخته شده‌است؛ معرفی برخی نسخه‌ها یا جنگ‌های کهن و خطی - که برخی از ابیات دیوان حافظ در آنها ضبط شده؛ توصیف نسخه‌های اساس برخی از تصحیحات دیوان حافظ و بیان نقاط قوت یا ضعف آن‌ها در مقایسه با تعدادی دیگر از نسخ؛ مقایسه برخی از ابیات دیوان حافظ با ضبط کهن آن‌ها در بعضی نسخه‌های خطی؛ مقایسه‌ی دو نسخه تصحیح شده، یا یک نسخه تصحیح شده با یک نسخه‌ی قدیمی و تصحیح نشده، و برشمردن ویژگی‌های هر کدام، یا ترجیح یکی بر دیگری و... نظایر آن^{۱۰}. برای نمونه در مقاله «*دیوان حافظ* به اهتمام

خلخالی» محمد قزوینی به توصیف و نقد دیوان نسخه خلیالی (چاپ ۱۳۰۶) پرداخته است^{۱۱} و حسین صمدی در مقاله‌ی «بیت غزل حافظ در نسخه‌ی مورخ ۸۲۷» این نسخه را معرفی و برخی تفاوت‌های ابیات را در این نسخه و نسخه‌های چاپی رایج ذکر کرده است.

۲-۱-۱-۵. تحلیل شخصیت، اندیشه و زندگی حافظ

در این دسته از مقالات، نویسندگان با تکیه بر برخی ابیات دیوان حافظ درباره‌ی زندگی، شخصیت، اندیشه و دیدگاه ویژه‌ی حافظ به جهان (جهان‌بینی) تحلیل‌هایی ارائه داده و کوشیده‌اند حافظ را از این دیدگاه به دیگران بشناسانند. مثلاً برخی با تکیه بر ابیاتی مانند ابیات زیر حافظ را «جبرگرا» و لاجرم اشعری مذهب دانسته‌اند:

– رضا به داده بده وز جبین گره بگشای که بر من و تو در اختیار نگشادست (۳۷/۸)

– گناه اگرچه نبود اختیار ما حافظ تو در طریق ادب باش گو گناه منست (۵۳/۷)

عده‌ای گرایش‌های فکری حافظ را دوگانه – هم متمایل به فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و هم به فرهنگ ایران اسلامی – دانسته‌اند. برخی او را در ریاستیزی بر صدر نشانده‌اند و بعضی گرایش عمده فکری او را اندیشه‌های عرفانی دانسته‌اند، برخی او را بی‌دین و منکر معاد دانسته‌اند و جمعی این اتهامات را رد کرده‌اند^{۱۲}. برخی از نویسندگان با تکیه بر ابیاتی که حافظ در آنها از «رند و رندی» یاد کرده، حافظ را «رند» به معنای واقعی دانسته‌اند و معتقدند «رند حافظ» رند دیگری است که حافظ خود او را ساخته و مثل اعلای «این رند» خود اوست^{۱۳}.

بهر حال تنوع موضوعات و گاه تضاد مضامین مقالات با یکدیگر، به راستی مصداق این بیت مولوی است: هرکسی از ظن خود شد یار من / وز درون من نجست اسرار من

۲-۱-۱-۶. حافظ و دیگران

در این دسته از مقالات نویسندگان با توجه به تأثیرپذیری حافظ از شعر دیگر شاعران، یا همان فرهنگ غنی ادبی پیش از خود، همچنین تأثیری که بر شاعران پس از خود گذاشته، به گونه‌ای که بسیاری از اقتفای او رفته‌اند، سعی کرده‌اند مضامین، سبک، قافیه و یا وزن‌های مشترک را در اشعار حافظ و دیگر شاعران نشان دهند و برای مثال «حق سعدی» و سلمان و خواجه و ناصر بخارایی، حتی فردوسی را بر «گردن حافظ»^{۱۴} یا حق حافظ را بر گردن غزل‌سرایان پس از او نشان دهند. گفتنی است از نظر فراوانی، مقالات نوع اول، حق پیشینیان بر حافظ، بیش از مقالات نوع دوم است. برخی تأثیر غیرشاعرانی چون نجم دایه را نیز بر حافظ مسلم دانسته‌اند. همچنین ذیل این طبقه تمامی مقالاتی که موضوع آنها تأثیرگذاری حافظ بر شاعر یا اندیشمندان غیر ایرانی است می‌توان جای داد. این امر رواج بحث‌های تطبیقی را نیز سبب شده است. این طبقه را در واقع می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. حافظ و ایرانیان یا تأثیرپذیری و تأثیرگذاری حافظ بر شاعران و نویسندگان ایرانی؛
۲. حافظ و غیر ایرانیان یا تأثیرگذاری حافظ بر شاعران و اندیشمندان غیر ایرانی.
برای نمونه در برخی مقالات بخش دوم به بررسی تأثیر شگرفی که دیوان حافظ بر گوته شاعر نامدار آلمانی گذاشت به گونه‌ایی که این شاعر آلمانی سعی کرد دیوان «نه شرقی و نه غربی» خود را به سبک دیوان حافظ بسراید پرداخته شده است.^{۱۵} یا تأثیری که شعر حافظ بر مارکس و انگلس گذاشت و آن‌ها را وادار کرد برای درک عمیق‌تر اشعار حافظ زبان فارسی بیاموزند^{۱۶}

۲-۱-۱-۲. تحلیل جمال‌شناسیک شعر حافظ

در این طبقه، مقالاتی قرار می‌گیرند که در آن‌ها نویسنده با دیدگاهی جمال‌شناسانه یا زیباشناختی به بررسی ساختار شعر حافظ پرداخته‌است. یکی از وجوه زیبایی‌شناسی شعر حافظ بحث در باره ساختار غزل‌های اوست. برخی حافظ‌پژوهان معتقدند ساختمان غزل‌های حافظ از نظر استقلال و تنوع و تباعد مضامین، بیش از هر چیز متأثر از سوره‌های قرآن است و بحث گسسته‌نمایی ظاهری ابیات غزل‌های حافظ و ناپیوستگی آیات قرآن از گذشته در باره هر دو کتاب رایج بوده‌است، لیکن در باره شعر حافظ توجه هنری دارد و حافظ تنها با «شرط» تنوع و گردش مضمون در یک یا هر چند بیت یک غزل می‌توانسته است «آن همه حرف و حکمت» را در غزل بگنجانند (خرمشاهی، ۱۳۷۹: ۵۳ تا ۵۵).

در مقالات دهه اول تا دهه هشتم، بیشتر با رویکردی سنتی و بدون توجه به مقوله نقد ادبی به بحث در زیبایی‌شناسی شعر حافظ پرداخته شده‌است، مثلاً بحث یا در فراتر رفتن از کلیشه‌ها و ابداع مضامینی جدید از کلیشه‌های تکراری است^{۱۷}، یا چگونگی ساخت غزل‌های حافظ^{۱۸}، یا عامل موسیقایی در تکامل جمال‌شناسی شعر حافظ^{۱۹}، یا ساختار ابهام^{۲۰} و یا «پاره‌ای ناهمواریها» در شعر حافظ^{۲۱}. گفتنی است در مقالات دهه پایانی گاهی اشعار حافظ با توجه به نظریه‌های جدید نقد ادبی بررسی شده‌است. با توجه به تعداد مقالاتی که ذیل این موضوع قرار می‌گیرند، می‌توان نتیجه گرفت که به موضوع «جمال‌شناسی شعر حافظ» کمتر توجه شده‌است. همچنین تحلیل‌هایی نو به شیوه‌های نقد ادبی در نقد شعر حافظ می‌تواند باب زمینه‌های جدید تحقیقاتی را در این زمینه باز کند.

۲-۱-۱-۲. مقالات متفرقه

تمامی مقاله‌هایی که ذیل هیچ یک از هفت عنوان یاد شده قابل ذکر نباشند، می‌توان در یک طبقه و با عنوان کلی «مقالات متفرقه» جای داد، که عناوین و مضامین متنوعی را شامل می‌شود: رسم تفأل زدن به دیوان حافظ، قبر حافظ و بازسازی‌های دوره‌ای آن، تعبیرات پزشکی در دیوان حافظ، قشربندی اجتماعی در دیوان حافظ، گزیده‌ای از منابع و مآخذ

حافظ‌شناسی، رونق بازار حافظ‌شناسی و... موضوعات پراکنده دیگری که در عناوین طبقات هفتگانه‌ی پیشین قابل ذکر نیستند.

۲-۲. سیر تاریخی مقالات حافظ پژوهی

در این بخش مقالات حافظ‌پژوهی از زمان آغاز یعنی سال ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۹۰ به پنج دوره تقسیم شده‌است. مبنای تقسیم بندی این دوره‌ها بر اساس دهه است، اما از آنجا که در دوره اول سیر نوشتن مقالات بسیار کند و بی‌نظم بوده‌است، پنجاه سال اول را در یک دوره بررسی کرده‌ایم.

۲-۲-۱. دوره اول (۱۲۹۸-۱۳۴۹ش)

در دو دهه اول و دوم یعنی از سال ۱۳۰۰-۱۳۱۹ تعداد مقالات چاپ شده ۱۶ مقاله است و تعداد ۵ مقاله (از مقالات یاد شده) در سالهای پس از ۱۳۲۰ دوباره تجدید چاپ شده‌اند. براساس فهرست‌های یاد شده در صفحات پیشین و کتابشناسی حافظ اولین مقاله‌ای که با مضمون حافظ‌پژوهی نوشته و به چاپ رسیده‌است، مقاله‌ای است با عنوان «موازنه یا تمایز مقالات شیخ و خواجه» نوشته هادی حائری که در سال ۱۲۹۸ در مجله‌ی ارمغان (ص ۲۱-۳۳) به چاپ رسیده^{۲۲}. سیر تاریخی چاپ و انتشار این مقالات و فراوانی آنها در این دوره به قرار زیر است:

تعداد مقالات چاپ شده در دهه‌ی سوم (۱۳۲۰-۱۳۲۹) ۲۳ مقاله و مقالات تجدید چاپ شده^{۲۳} ۴ مقاله است. تعداد مقالات چاپ شده در دهه‌ی چهارم (۱۳۳۰-۱۳۳۹) ۴۰ مقاله و تجدید چاپی‌ها ۶ مقاله است. تعداد مقالات چاپ شده در دهه‌ی پنجم (۱۳۴۰-۱۳۴۹) ۹۲ مقاله و تجدید چاپی‌ها ۱۳ مقاله است. در مجموع در این دوره ۱۷۱ مقاله منتشر و ۲۸ مقاله تجدید چاپ شده است. محتوای اصلی بیشتر مقالات در این دوره شرح ابیات و نسخه‌شناسی است و از نظر ساختار بیشتر در قالب نامه یا دستنوشته و مقالات عادی است.

۲-۲-۲. دوره دوم (۱۳۵۰-۱۳۵۹ش)

در دهه اول و دوم که آغاز راه نگارش مقالات حافظ‌پژوهی است، کمترین مقاله‌ها به چاپ رسیده، اما پس از آن دوره این تعداد رو به افزایش است. در مجموع تعداد مقالات چاپ شده در دهه ششم (۱۳۵۰-۱۳۵۹) ۲۳۴ مقاله و تجدید چاپی‌ها ۷۹ مقاله است. در این دوره علاوه بر افزایش کمی مقالات، در ساختار آنها نیز تغییراتی ایجاد شده، مقالات انسجام و پختگی بیشتری نسبت به دوره‌ی قبل یافته‌اند؛ اما موضوعات چندان تغییر نکرده، شرح ابیات، نسخه‌شناسی، معرفی شخصیت و بررسی زندگی حافظ محور اصلی نوشته‌هاست. یکی از دلایل عمده افزایش کیفی و کمی مقالات حافظ‌پژوهی در طول این دوره، برگزاری «کنگره جهانی بزرگداشت سعدی و حافظ» در سال ۱۳۵۰ در شهر شیراز است. برای تحقیق درستی این فرضیه به آمار مقالات نگاهی دوباره می‌اندازیم. در سال

۱۳۴۹، سال پیش از برگزاری اولین کنگره بزرگداشت حافظ، تعداد مقالات حافظ پژوهی چاپ شده در مجلات ۲۳ مقاله است. این تعداد در سال ۱۳۵۰ به ۳۱ مقاله می‌رسد که باید تعداد ۲۶ مقاله‌ی ارائه‌شده در کنگره‌ی نامبرده را نیز به آن اضافه کرد و در مجموع تعداد مقالات این سال به ۵۷ مقاله می‌رسد.^{۲۴}

اگر به آمار پیشین توجه کنیم، می‌بینیم در دهه پنجم (۱۳۴۰-۱۳۴۹) تعداد مقالات چاپ شده در زمینه حافظ پژوهی ۹۲ مقاله است در حالی که در دهه بعدی یا دهه ششم (۱۳۵۰-۱۳۵۹) این تعداد به ۲۳۴ مقاله می‌رسد. شایان ذکر است در دهه ششم، سال ۱۳۵۷ با ۱۷ مقاله، ۱۳۵۸ با ۵ مقاله و سال ۱۳۵۹ با ۶ مقاله کمترین تعداد مقالات با موضوع «حافظ پژوهی» به چاپ رسیده‌اند؛ همچنین در فاصله سالهای ۵۷-۱۳۶۰ هیچ مقاله‌ای با موضوع شرح ابیات حافظ یا کتابی با همین موضوع به چاپ نرسیده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اوضاع و احوال سیاسی حاکم بر سال‌های مذکور- پیروزی انقلاب اسلامی، شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، شروع جنگ تحمیلی- بر پایین آمدن آمار مقالات چاپی بی‌تأثیر نبوده است.^{۲۴}

۲-۳- دوره سوم (۱۳۶۰-۱۳۶۹ش)

در دهه هفتم (۱۳۶۰-۱۳۶۹) سیری رو به رشد را در چاپ مقالات شاهد هستیم. هرچند در سالهای ۱۳۶۰، با ۲۰ مقاله چاپ شده، ۱۳۶۱، ۱۳ مقاله و ۱۳۶۲، ۴۱ مقاله هنوز سیر چاپ و انتشارات مقالات حافظ پژوهی کند است، اما از سال ۱۳۶۳ این تعداد رو به افزایش است. سال ۱۳۶۳ تعداد مقالات چاپی، ۳۷ مقاله، سال ۱۳۶۴، ۶۵ مقاله، سال ۱۳۶۵، ۴۶ مقاله، سال ۱۳۶۶، ۱۰۳ مقاله، سال ۱۳۶۷، ۱۸۲ مقاله، سال ۱۳۶۸؛ ۱۰۰ مقاله و سرانجام سال ۱۳۶۹، ۶۷ مقاله چاپ شده است. همان‌گونه که آمار و ارقام نشان می‌دهند سال ۱۳۶۷ نقطه اوجی در چاپ و انتشار مقالات حافظ پژوهی است. همچنین این نقطه اوج در برخی موضوعات و مضامین از جمله شرح نویسی بر ابیات یا غزلیات دیوان حافظ، اعم از کتاب یا مقاله نیز برجسته است.^{۲۵}

عمده‌ترین دلیل افزایش مقالات در سال ۱۳۶۷، برگزاری کنگره‌ای با عنوان «کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ» به مناسبت ششصدمین سال درگذشت حافظ در آبانماه ۱۳۶۷ و به همت یونسکو در شیراز بود. در این سال بسیاری از مقاله‌های پیشین و مجموعه‌ها دوباره تجدید چاپ شدند، برخی مجلات نیز یک یا دو شماره از خود را فقط به همین موضوع اختصاص دادند. برای نمونه تمامی مقالات کیهان فرهنگی س ۵، ش ۸، که در آبانماه ۱۳۶۷ به چاپ رسیده درباره حافظ است. دلیل دیگر، افزایش تعداد مراکز دانشگاهی - تحقیقاتی و سیر رو به رشد پذیرش دانشجویان و افزایش تعداد تحصیل‌کردگان می‌تواند باشد.^{۲۶}

در مجموع در دهه ۱۳۶۰-۱۳۶۹ حدود ۶۵۰ مقاله منتشر و ۸۳ مقاله تجدید چاپ شده است. مضمون اصلی بیشتر مقالات این دوره شرح ابیات است، چنان که از مجموع ۶۵۰ مقاله حدود ۲۰۰ مقاله به شرح ابیات اختصاص داده شده است.

۲-۴. دوره چهارم (۱۳۷۰-۱۳۷۹ش)

در دهه ۱۳۷۰-۱۳۷۹، سیر حافظ‌پژوهی به روال عادی خود بر می‌گردد و نسبت به دوره قبل چاپ مقالات کاهش می‌یابد. البته در سالهای ۱۳۷۰، با ۶۷ مقاله و ۱۳۷۱ با ۱۰۷ مقاله تقریباً هنوز شاهد همان رشد سالهای ۶۶ تا ۶۹ هستیم؛ اما پس از این چاپ کاهش می‌یابد. در این دهه در مجموع تعداد ۴۸۰ مقاله چاپ شده که ۱۵ مقاله تجدید چاپی (تکراری) است.

از جریان‌هایی که بر چاپ مقالات حافظ‌پژوهی دهه هفتم و هشتم تأثیر نسبتاً بسزایی داشته، چاپ کتاب‌هایی در زمینه حافظ‌پژوهی یا حافظ‌شناسی است که از جمله آنهاست چاپ تصحیحات متعدد و جدید دیوان حافظ از جمله دیوانهای مصحح خانلری، شاملو، حافظ به سعی سایه، مصحح سلیم نیساری، سهیلی خوانساری و چاپ این تصحیحات باب نقد و انتقاد را در مقالات حافظ‌پژوهی باز کرد و پیش از این گفته شد. که برای نمونه با انتشار *حافظ‌نامه*، اثر خرمشاهی، از سال چاپ یعنی ۱۳۶۷، تا سال ۱۳۶۹، حدود ۱۰ مقاله انتقادی، درباره این کتاب منتشر شد.^{۲۷}

۲-۵. دوره پنجم (۱۳۸۰-۱۳۹۰ش)

در دهه نهم یعنی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ حدود ۵۴۷ مقاله منتشر شده است که نسبت به دهه هشتم رشد بهتری داشته است. مقالات این دوره رویکرد نسبتاً متفاوتی نسبت به دوره‌های گذشته دارند. با ورود مباحث جدیدی همچون نقد و نظریه‌های ادبی موضوعات و مباحث جدیدی به حوزه ادبیات و در پی آن در مقالات حافظ‌پژوهی وارد شد. در بررسی مقالات دهه‌های گذشته گفته شد که بسیاری از مقالات ساختار علمی نداشته و بسیاری از آنها به شکل گفت‌وگو یا سخنرانی بوده است، اما در این دهه و اواخر دهه گذشته به دلیل گسترش فرهنگ گفت‌وگو و تعامل ادبی و علمی میان دانشجویان و استادان تعامل علمی دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های جهان و انتشار فصلنامه‌های علمی در سطح دانشگاه‌ها، سطح علمی مقالات رشد یافته است. برخی از موضوعات بیان شده در دوره‌های قبل در این دوره کم‌رنگ می‌شوند. در دوره‌های گذشته شرح ابیات و بررسی نسخه‌های خطی رایج‌ترین موضوع بوده است، اما در این دوره مباحثی چون ادبیات تطبیقی و بررسی اشعار با توجه به نظریه‌های جدید ادبی گسترش یافته است؛ برای مثال از میان ۶۵۰ مقاله‌ی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹ تعداد ۲۰۰ مقاله به شرح ابیات متوسط و یا بحث‌انگیز حافظ اختصاص یافته است، اما

در این دهه از میان ۵۴۷ مقاله، تنها ۵۵ مقاله به شرح ابیات پرداخته‌است که برخی از آنها در جمع‌بندی و بررسی ابیات مشکل و بحث‌انگیز دوره‌های پیشین است.

در مجموع در دوره‌ی پیشین (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹) ۴۸۰ مقاله و در این دوره (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰) ۵۴۷ مقاله منتشر شده است. گرچه در سال‌های ۱۳۸۰ (۲۸ مقاله)، ۱۳۸۱ (۳۱ مقاله) و ۱۳۸۲ (۳۲ مقاله) سیری نزولی نسبت به دوره‌ی پیش مشاهده می‌کنیم، اما به تدریج در سال ۱۳۸۳ (۴۵ مقاله)، سال ۱۳۸۴ (۷۵ مقاله)، سال ۱۳۸۵ (۶۵ مقاله)، سال ۱۳۸۶ (۵۶ مقاله)، سال ۱۳۸۷ (۶۶ مقاله)، سال ۱۳۸۸ (۷۳ مقاله) و سال ۱۳۸۹ (۶۲ مقاله) سال ۱۳۹۰ (۱۴ مقاله) حافظ‌پژوهی سیر روبه‌رشدی داشته است. شایان ذکر است که از میان ۵۴۷ مقاله تنها ۵ مقاله تجدید چاپ شده است. به‌طور کلی در این دهه چند عامل در سیر صعودی انتشار مقالات حافظ‌پژوهی مؤثر بوده است که عبارتند از:

۱. انتشار نشریه‌های علمی-پژوهشی؛
 ۲. انتشار نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه از سال ۱۳۷۶ و رونق آن در دهه نهم که رویکرد معرفی و نقد آثار را دارد. در این دوره ۶۶ مقاله درباره‌ی نقد و معرفی آثار حافظ‌پژوهی در این نشریه منتشر شده است؛
 ۳. انتشار نشریه حافظ که در مجموع ۱۳۶ مقاله‌ی حافظ‌پژوهی در این دهه منتشر کرده است؛
 ۴. انتشار بیش از ۳۰ کتاب با بررسی اشعار، شخصیت و عرفان حافظ و در نتیجه نیاز به معرفی و نقد این آثار.
 ۵. ورود مباحث جدید نقد و نظریه‌های ادبی در کتب دانشگاهی. در این دهه اشعار حافظ با توجه به مباحثی هم‌چون ادبیات تطبیقی، هرمنوتیک، تیپ‌شناسی، پدیدارشناسی زمان و مکان، خلاقیت بینامتنی، روانشناسی، نشانه‌شناسی و تحلیل اشعار حافظ بر اساس اصول نقد ادبی و سبک‌شناسی جدید تحلیل شده‌است. این مقالات بیشتر رویکرد علمی-پژوهشی دارند.
- نکته‌ای که در پایان گفتنش بیراه نمی‌نماید این است که بهتر است در ادامه حافظ‌پژوهی به مباحثی جدید به‌ویژه در حوزه‌های نقد ادبی، مباحث تطبیقی، مباحث میان‌رشته‌ای، به‌ویژه ادبیات و زبان‌شناسی یا ادبیات و هنر، به جای مباحث کلاسیک و برخی مباحث متفرقه که از نظر اهمیت در اولویت نیستند توجه جدی‌تر شود.

۳. نتیجه‌گیری

درباره‌ی حافظ، زندگی، شعر یا اندیشه‌ی او مقالات فراوانی تاکنون نوشته شده است و با توجه به ذوق، هنر و استادی حافظ و ظرفیت‌های گسترده‌ی شعر او این سیر همچنان ادامه

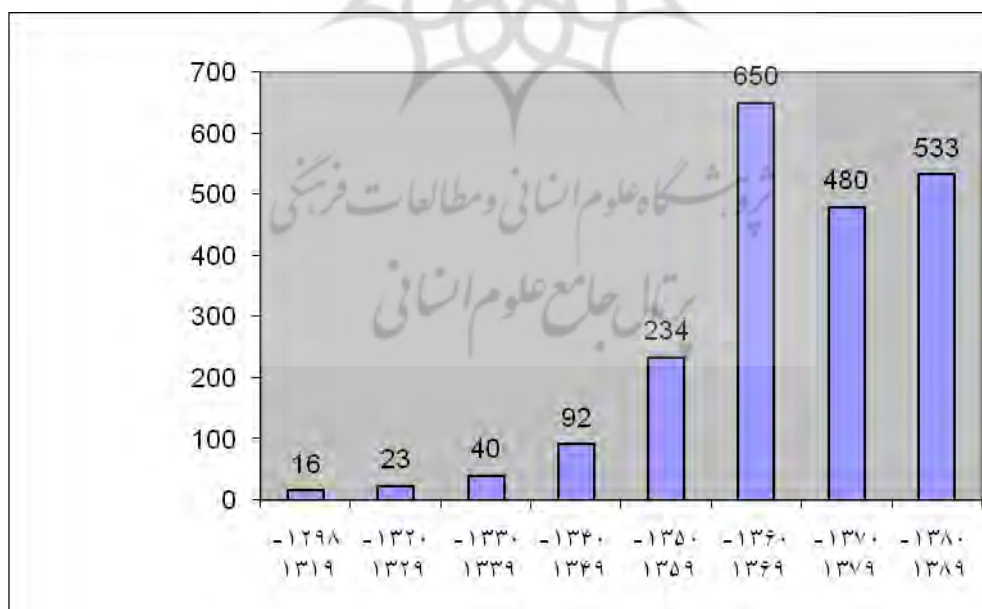
دارد؛ به همین علت جایگاه خاص زبان و اندیشه حافظ را در فراوانی چاپ و انتشار مقالات نمی‌توان نادیده گرفت. کمیت این مقالات تا به حدی است که سالها پیش برخی را به نجوای «حافظ بس» واداشته است.

نگارنده با توجه به اهمیت حافظ در ادب فارسی و رویکرد بسیاری از محققان به این شاعر بزرگ در این پژوهش با بررسی شش منبع و استخراج مقالات حافظ پژوهی از زمان آغاز یعنی سال ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۹۰ که به یک قرن می‌رسد، در مجموع ۲۰۶۸ مقاله استخراج کرده است. از این تعداد حدود ۲۱۰ مقاله تجدید چاپی است که ما در شمارش آنها را لحاظ کرده‌ایم. این مقالات در هشت موضوع و پنج دوره بررسی شده‌است که از بررسی سیر تاریخی و موضوعی آن نتایج مفیدی حاصل آمده است.

در تحلیل سیر تاریخی مقالات می‌توان نتیجه گرفت که رونق بازار حافظ پژوهی مدیون برخی عوامل از جمله برگزاری کنگره‌های بزرگداشت حافظ، رونق محافل علمی و ادبی، گسترش این گونه محافل و در نتیجه افزایش مباحث علمی و پژوهشی به دلیل گسترش مراکز دانشگاهی و علمی (یا برگزاری سمینارهای علمی) بوده‌است و تا زمانی که در مباحث و نوشته‌های علمی - پژوهشی به این موضوع همچنان به عنوان موضوعی قابل بحث و دارای ظرفیت نگریسته شود، این تحقیقات با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش ادامه پیدا می‌کند.

در نمودار زیر سیر تاریخی و آمار مقالات نشان داده شده است:

تعداد مقالات



پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از ابهام در غزل‌ها تعقید لفظی یا معنوی آنها نیست بلکه به معنای خواندن صحیح متن و تعبیر آن از زاویه‌های مختلف است. نک: کاردن (۱۳۸۱). فرهنگ ادبیات و نقد. ترجمه کاظم فیروزمند. نشر شادگان: تهران.
۲. ابهام به طور خلاصه یعنی دلالت‌های چندگانه متن در اثر ادبی، خالق اثر به عمد شرایطی را پدید می‌آورد که خواننده به هنگام مواجه با دلالت چندگانه [= چند معنایی]، نتواند از متن رفع ابهام کند (نک: صفوی، کوروش، ۱۳۸۷: ۲۱۰ و ۲۱۱).
۳. نک: میرسید علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ ه. ق) رساله مرادات دیوان حافظ، چاپ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، همچنین ن. ک: ریاض، محمد. احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی. (۷۱۴-۷۸۶ ه. ق) چ دوم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان: ۱۷۶ تا ۱۷۹.
۴. برای نمونه مقاله «دیباچه خسرو و شیرین». [بحثی پیرامون منظومه‌ی خسرو و شیرین]. در کتابشناسی حافظ به این نکته اشاره نشده که تنها در بخشی از این مقاله به مقوله «حافظ پژوهی» اشاره‌ای شده است.
۵. پیش از این اشاره شد که منظور از ابهام تعقید لفظی یا معنوی نیست که این گونه ابهام‌ها در دیوان حافظ بسیار اندک است.
۷. برای دیدن شروع و تقریرات بیت نک: حاجیان، خدیجه و سعید بزرگ بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۷-۵۵. ظاهراً اولین شروع بر بیت: پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد نوشته شده است. از شارحان متقدم بیت از آذری طوسی و ملاجلال‌الدین دوانی کازرونی (۸۳۰-۹۰۸ ه. ق) حکیم و متکلم بزرگ قرن نهم، نام برده‌اند. ملاجلال‌الدین کازرونی (۸۰۳-۹۰۲ ه. ق) با ذوقی عرفانی به شرح دو بیت از جمله بیت مذکور و یک غزل حافظ پرداخته است (ن. ک: باقری، بهادر، فرهنگ شرح‌های حافظ، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱).
۸. برای آگاهی از فراوانی شروع برخی از ابیات، نک: قیصری، ابراهیم، ابیات بحث‌انگیز دیوان حافظ، تهران، توس، ۱۳۸۰. گفتنی است تعداد ابیات بحث‌انگیز واقعی دیوان حافظ به مراتب بسیار کمتر از تعدادی است که در این کتاب به آن‌ها ارجاع داده شده است.
۹. خانلری در سال ۱۳۳۷ منتخبی از دیوان حافظ را به چاپ رسانیده و درباره برخی از تصحیحات خود نیز مقاله‌ای با عنوان «چند نکته در تصحیح دیوان حافظ» در مجله یغمای ۱ و ۲ (۱۳۳۷ و ۱۳۳۸) چاپ کرده بود که برخی از آن تصحیحات نیز باز نقد شد (از سوی سید محمد فرزانه، جعفر شعار و...)؛ اما آمار ارائه شده فقط درباره نقد چاپ دیوان کامل حافظ خانلری است. نکته دیگر این که برخی از این مقالات مستقیماً در نقد تصحیحات خانلری است و برخی در نقد نقد تصحیحات خانلری.
۱۰. در محدوده سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ حدود ۵۰ مقاله درباره‌ی موضوع یاد شده چاپ شده است.
۱۱. شایان ذکر است این مقاله نخستین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله‌ی علم و هنر به چاپ رسیده و پس از آن در «یادداشتهای علامه قزوینی» به سال ۱۳۶۷ تجدید چاپ شده است.

۱۲. برای نمونه نک: کیانوش، محمود، گدای کیمیاگر، فصل کتاب، س ۱، ش ۴، ۱۳۶۷/۸: ۲۲-۳۷
۱۳. نک. خرمشاهی، بهاءالدین، رند و رندی، حافظ‌شناسی، ج دهم، پاژنگ، تهران، ۱۳۶۷: ۱۰۵ تا ۱۲۱.
۱۴. «حق سعدی بر گردن حافظ» نام مقاله‌ای از بهاءالدین خرمشاهی است که در آن مضامین مشترک موجود در اشعار این دو شاعر به خوبی نشان داده شده است.
۲۱. ریاحی، ۱۳۴۷: ۴۲۱ تا ۲۳۶
۲۲. گلشنی، ۱۳۶۷: ۸۳ و ۸۲.
۲۳. پرهام، ۱۳۶۶: ۲۷ تا ۱۴.
۱۷. موحد، ۱۳۶۸: ۲۶-۲۹، ۶۶، ۷۹.
۱۸. محمدی، ۱۳۶۷: ۲۴ تا ۲۲۳.
۱۹. شفیعی کدکنی، ۱۳۶۹: ۵۵ تا ۴۱.
۲۰. دادبه، ۱۳۶۹: ۳۱ تا ۹.
۲۱. ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۷۰: ۳۴ تا ۱۵.
۲۲. نک: نیکنام، مهرداد، کتابشناسی حافظ، ص ۲۶۰. پیش از این تاریخ به مقاله‌ای با مضمون حافظ پژوهی نیامده است.
۲۳. نک. همان، ص ۲۳۸ و ایرج افشار، فهرست مقالات فارسی، ج اول، ص ۷۶۵ (سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۳۸). بعضی از مقاله‌ها در سال‌های بعد به مناسبت‌ها و یا حتی بدون مناسبت یک تا چندین بار تجدید چاپ شده‌اند. به این موارد در طول مقاله به مناسبت اشاره می‌شود. برای نمونه مقاله «حافظ چندین هنر» از ابراهیم باستانی پاریزی نخستین بار در آبان ۱۳۴۹ در مجله هفت هنر به چاپ رسیده است و پس از آن به ترتیب در سال ۱۳۵۰ در مجله‌ی وحید، و باز در همان سال در «نای هفت بند»، در سال ۱۳۵۲ به مناسبت برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت حافظ در شیراز، در مجموعه مقالات کنگره به همت منصور رستگار فسایی، به چاپ رسید. این مقاله در سال ۱۳۶۶ در مجموعه‌ی مقالات حافظ‌شناسی از انتشارات پاژنگ نیز به چاپ رسیده است؛ بنابراین مقالات «تجدید چاپ شده» به معنای مقالات هر دهه است که در سال‌های بعد دوباره چاپ شده‌اند.
۲۴. شایان ذکر است مجموعه‌ی مقالات ارائه‌شده در این کنگره به همت دکتر منصور رستگار فسایی، در سال ۱۳۵۲، در مجموعه‌ای با عنوان «درباره زندگی و شعر حافظ» به چاپ رسید، این مجموعه دوبار دیگر تجدید چاپ شده است؛ یکبار در سال ۱۳۵۷ از سوی دانشگاه شیراز و بار دوم در سال ۱۳۶۷ و در آستانه‌ی برگزاری دومین کنگره بزرگداشت حافظ از سوی انتشارات صنوبر در تهران.
۲۵. برای اطلاع بیشتر نک. باقری، ۱۳۷۸: ۳۵ و نمودار ص ۵۷.
۲۶. دو گزارش زیر از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، صحت این فرضیه را ثابت می‌کند. در سیر پذیرش تعداد دانشجوی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در ۳۰ سال گذشته حدود ۲۲ برابر رشد، در تعداد دانشجوی شاغل به تحصیل ۲۱ برابر رشد، در تعداد دانش‌آموختگان ۱۷ برابر رشد و در تعداد

اعضای هیات علمی نیز ۱۱ برابر رشد دیده می‌شود، ضمن این که تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور نیز ۱۰ برابر شده است. براساس ارقام موجود در «آمار آموزش عالی ایران» تقریباً هر ۷ سال یک بار، تعداد پذیرفته‌شدگان در مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، دو برابر می‌شود. سیر کلی تعداد دانشجویان طی سال‌های ۴۸ تا ۷۴ شمسی نشان‌دهنده این واقعیت است که در این ۲۷ سال، تعداد دانشجویان از ۲۷ هزار و ۲۶۸ نفر در سال ۴۸ به ۵۲۶ هزار و ۶۲۱ نفر در سال ۷۴، افزایش یافته است به عبارتی در این دوره زمانی تعداد دانشجویان سالانه رشدی بیش از ۸/۲۴ درصد داشته است. البته این ارقام تنها مربوط به بخش دولتی است. دانشگاه آزاد نیز توانسته است بخش زیادی از تقاضای روزافزون آموزش عالی را پاسخ دهد، به طوری که در سال ۱۳۸۰ حدود ۷۵۰ هزار دانشجو نیز در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند. در این سال، مجموع دانشجویان شاغل به تحصیل حدود ۱/۵۵ میلیون نفر برآورد شد که به این ترتیب نسبت دانشجویان کل کشور در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، معادل ۲۳۱۸ نفر خواهد بود.

بررسی کلی آمار دانش‌آموختگان آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که در سال‌های ۴۹-۴۸ تا ۸۰-۷۹ در مجموع یک میلیون و ۴۳۹ هزار و ۲۸۰ نفر از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مدرک دریافت کرده‌اند.

در مجموع می‌توان گفت جهت‌گیری آموزش عالی در ۳۰ سال گذشته متحول شده و از توجه به مقاطع پایین تحصیلی و حوزه کاردانی و کارشناسی به مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری معطوف شده است، ضمن این که علت این تغییر جهت‌گیری را می‌توان در افزایش تقاضای جمعیت دانش‌آموخته‌ی دانشگاهی برای حرکت از مقاطع پایین‌تر و صعود به تحصیلات تکمیلی عنوان کرد.

البته در آمار سال تحصیلی ۵۷-۵۸ حدود ۱۶ درصد از پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها مربوط به دانشگاه‌های علوم پزشکی بوده که در آمار سال ۸۷-۸۸ لحاظ نشده است. وزارت علوم و تحقیقات اعلام کرده است که پذیرش دانشجو در مقطع کاردانی ۲۳ برابر، در مقطع کارشناسی ۲۵ برابر، در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری حرفه‌ای ۱۲ برابر و در مقطع دکتری تخصصی ۱۵ برابر شده است که همگی نشان‌دهنده توجه به رشد مقاطع مختلف در دانشگاه‌ها و افزایش تقاضا برای ادامه‌ی تحصیل به خصوص در میان جوانان است. همچنین تعداد دانشجویان کشور در سال تحصیلی ۵۷۵۸ حدود ۱۷۶ هزار نفر بوده که با رشد تعداد مراکز آموزش عالی و استفاده از ظرفیت داخلی کشور، تعداد دانشجویان امروز به ۳ میلیون و ۵۷۲ هزار نفر رسیده

است. نقل از: www.janet.ac.ir/newspapertext.aspx?newsnum:

«بنا به گزارش «شمس آوری» (۱۹۹۲)، در سال تحصیلی ۳۶-۱۳۳۵ برابر با ۱۹۵۶ میلادی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران ۱۱۹۲۸ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بوده‌اند. این تعداد در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۳۹ و ۴۲-۱۳۴۱ به ترتیب ۱۹۸۱۵ و ۲۴۶۳۵ نفر بوده است. در این راستا، در سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴، ۲۹۶۸۳ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بوده است و تعداد دانشجویان ایران در طلیعه انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶، ۱۶۰۳۰۸ نفر بوده است. در اول انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، دانشگاه‌ها و

مراکز آموزش عالی ایران ۱۷۵۶۷۵ نفر دانشجو داشتند که ۳۰/۵ درصد تعداد کل دانشجویان را زنان تشکیل می‌دادند. بعد از بازگشایی دانشگاهها، تعداد دانشجویان به مدت ۵ سال، یعنی از سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ الی ۶۶-۱۳۶۵، از تعداد دانشجویان اول انقلاب یعنی تعداد دانشجویان سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ کمتر بود؛ بنابراین، بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایین‌ترین تعداد دانشجو در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ بوده است. در مقام مقایسه، سهم زنان از تعداد کل دانشجویان از اول انقلاب (سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷) تا کنون (سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹) ۱۶/۷ درصد افزایش و تعداد کل دانشجویان نیز رشد ۳۱۷ درصدی داشته است، یعنی تعداد کل دانشجویان (بخش دولتی) از ۱۷۵۶۷۵ نفر در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ به ۷۳۳۵۲۷ نفر در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ رسیده است. با تلخیص نقل از: ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۰). «زنان و آموزش عالی»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۵.

۲۷. به برخی از این نقدها خود نویسنده (خرمشاهی) در مستدرک حافظ‌نامه که بعدها ضمیمه چاپ جدید حافظ‌نامه شد پاسخ داده است و همچنین در نقد هر کدام از کتاب‌های *واژه‌نامه غزل‌های حافظ* از حسین خدیو جم، *فرهنگ بسامدی واژه‌نمای حافظ* از مهین‌دخت صدیقیان، *کلک خیال‌نگیر* از پرویز اهور، شرح *غزل‌های حافظ* از حسینعلی هروی، *حافظ به روایت شاملو و حافظ به سعی سایه* و ... چند مقاله انتقادی نوشته شده است.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. افشار، ایرج. (۱۳۴۸-۱۳۸۳). *فهرست مقالات فارسی* (ج ۱-۶). تهران: علمی - فرهنگی.
۲. _____ «مقاله‌شناسی برای حافظ‌شناسی». (۱۳۶۶). *حافظ‌شناسی*. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج پنجم: ۲۰۵-۲۲۷.
۳. باقری، بهادر (۱۳۷۸). *فرهنگ شرح‌های حافظ*. تهران: امیر کبیر.
۴. جی ای کاردن (۱۳۸۱). *فرهنگ ادبیات و نقد*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر شادگان.
۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۷). *حافظ‌نامه* (ج ۱ و ۲). تهران: علمی - فرهنگی و سروش.
۶. صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۸۳). *فرهنگ واژه‌نمای حافظ*. به انضمام *فرهنگ بسامدی*. ج سوم. تهران: سخن.
۷. صفوی، کوروش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
۸. غنی، قاسم (۱۳۶۶). *تاریخ عصر حافظ* (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ). تهران: زوآر.
۹. قیصری، ابراهیم (۱۳۸۰). *ابیات بحث‌انگیز دیوان حافظ*. تهران: توس.
۱۰. کاردن، جی. ای (۱۳۸۱). *فرهنگ ادبیات و نقد*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: شادگان.
۱۱. نیکنام، مهرداد (۱۳۸۱). *کتاب‌شناسی حافظ*. ویرایش ۲. شیراز: مرکز حافظ‌شناسی.

ب. مقالات

۱۲. امیری فیروز کوهی، کریم (۱۳۵۲). « حافظ بس ». یغما. ش ۲۶، ص ۵۳۱ تا ۵۳۶ و ۵۹۷ تا ۶۰۱.
۱۳. پرهام، مهدی (۱۳۶۶). « ابعاد جهانی حافظ ». حافظ‌شناسی. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج هفتم. تهران: پاژنگ.
۱۴. حاجیان، خدیجه و سعید بزرگ بیگدلی (۱۳۸۵). « بر قلم صنع خطا رفت یا نه؟ ». پژوهش‌های ادبی. سال سوم. شماره ۱ یازدهم: ۵۵ تا ۲۷.
۱۵. خرماهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۷). « رند و رندی ». حافظ‌شناسی. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج دهم. تهران: پاژنگ.
۱۶. دادبه، اصغر (۱۳۶۹). « توازی معنایی در ابهام‌های حافظ ». حافظ‌شناسی. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج پانزدهم. تهران: پاژنگ، ص ۳۱ تا ۹.
۱۷. دادبه، اصغر (۱۳۷۱). « ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ ». کلک. ش ۳۰: ۲۲۷ تا ۲۳۴.
۱۸. ذکاتوی قراگزلو، علیرضا (۱۳۷۰). « پاره‌ای ناهمواریها در شعر حافظ ». حافظیات. همدان: مسلم: ۳۴ تا ۱۵.
۱۹. ریاحی، محمد امین (۱۳۷۴). « حافظ با یکی از پیران خانقاه‌ها ». گلگشت در شعر و اندیشه حافظ. چ دوم. تهران: علمی.
۲۰. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۹). « این کیمیای هستی: عامل موسیقایی در تکامل جمال‌شناسی شعر حافظ ». حافظ‌شناسی. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج دوازدهم. تهران: پاژنگ: ۴۱-۵۵.
۲۱. صورتگر (صفاری)، کوکب (۱۳۶۹). « انعکاس پرتو حافظ یا عکس روی او در مغرب زمین ». حافظ‌شناسی. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج دوازدهم. تهران: پاژنگ.
۲۲. کیانوش، محمود (۱۳۶۷). « گدای کیمیاگر ». فصل کتاب. س ۱. ش ۴: ۲۲-۳۷.
۲۳. گلشنی، عبدالکریم (۱۳۶۷). « گوته و حافظ ». کیهان فرهنگی. س پنجم. ش ۸.
۲۴. لولویی، پروین (۱۳۶۷). « حافظ در لباس بیگانه ». فصل کتاب. سال ۱. ش ۴.
۲۵. محمدی، عباسعلی (۱۳۶۷). « نظام بی‌نظامی، نکته‌ای در ساخت غزل حافظ ». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. س ۲۱. ش دوم: ۲۲۳ تا ۲۴۰.
۲۶. مشایخ فریدنی، محمدحسین (۱۳۶۸). « قند پارسی در بنگاله ». حافظ‌شناسی. به کوشش سعید نیاز کرمانی. ج یازدهم. تهران: پاژنگ.
۲۷. موحد، ضیاء (۱۳۶۸). « از تقلید تا خلق: بحثی در اسلوب هنری حافظ ». کیهان فرهنگی. س ششم. ش ۳. ۲۶ تا ۲۹ و ۶۶ و ۷۹.
۲۸. ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۰). « زنان و آموزش عالی ». فصلنامه کتاب زنان. شماره ۱۵.